

پوتین و آینده روسیه

عادلی/خبرگزاری آران

پوتین و آینده روسیه

عقیفه عابدی

معرفی پوتین به عنوان نامزد ریاست جمهوری روسیه در انتخابات ۲۰۱۲، نظر بسیاری از تحلیلگران متخصص مسائل روسیه را به تاثیر این تغییرات بر مسائل داخلی این کشور جلب نموده است. به ویژه اینکه زمانی که دیمتری مدودف با حمایت پوتین به قدرت رسید، بسیاری از بازگشت پوتین به قدرت در دوره بعد خبر می دادند.

آفتاب: معرفی پوتین به عنوان نامزد ریاست جمهوری روسیه در انتخابات ۲۰۱۲، نظر بسیاری از تحلیلگران متخصص مسائل روسیه را به تاثیر این تغییرات بر مسائل داخلی این کشور جلب نموده است. به ویژه اینکه زمانی که دیمتری مدودف با حمایت پوتین به قدرت رسید، بسیاری از بازگشت پوتین به قدرت در دوره بعد خبر می دادند.

اما برخی تحولات در عرصه سیاست داخلی و خارجی روسیه در دوره مدودف، این تحلیل ها را که تباری قدرت صورت گرفته با چالش مواجه میکرد. بر خلاف این تصویرها در برخی مسائل داخلی و بین المللی تضاد و تناقض هایی در رویکرد رئیس جمهوری و نخست وزیر روسیه مشاهده می شد، تا جایی که برخی از تحول اساسی در رویکرد دولت جدید روسیه سخن میگفتند و با دادن نسبت هایی چون غربگرا و روشنفکر به مدودف او را از صف پوتین جدا میساختند. به هر حال حتی اگر قائل به این تحلیل باشیم که پوتین، مدودف را برگزیده است، باز هم بازگشت پوتین به قدرت با پیامدهای داخلی و بین المللی برای روس ها روبرو خواهد شد.

پیامدهای داخلی و بین المللی

هر چند برخی معتقدند سناریوی جابه جایی قدرت بین پوتین و مدودف عادی شده و تاثیر چندانی در روسیه نخواهد داشت. اما برخی از آمارها، چشم اندازهای دیگری را پیش روی قرار میدهد. همانگونه که نتایج ششمین دوره انتخابات دومای روسیه منجر به پیروزی نسبی حزب واحد روسیه با ۴۹.۳۲ درصد آرا و اعتراضات پس از انتخابات، مبین این نکته است که بازگشت پوتین به عرصه قدرت چندان برای افکار عمومی این کشور قابل پذیرش نیست.

البته از سوی قدرت حاکمه روسیه برای تلطیف افکار عمومی تلاشهایی انجام میشود. پیشتر مدودف ضمن اعلام کناره گیری از نامزدی ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۲، در گفت وگویی خود با تلویزیون روسیه گفت که تصمیم پوتین برای نامزد شدن در انتخابات به معنی این نیست که نتیجه رای گیری از هم اکنون روشن است. اما به هر حال بازگشت پوتین برای قدرت حداقل شرایط را برای منتقدان نظام سیاسی روسیه مهیا کرده تا بیش از گذشته به جلب توجه مردم بپردازند.

پیامدهای بین المللی بازگشت پوتین به قدرت را می توان از دو جنبه واکنش های خارجی به بازگشت پوتین و چشم انداز سیاست خارجی روسیه مورد بررسی و ارزیابی قرار داد.

اعلام خبر کاندیداتوری پوتین صرف نظر از اینکه رویکرد متفاوت سیاست خارجی پوتین نسبت به مدودف را برای رهبران کشورهای دیگر تداعی میکند، از آن جهت برای سایر کشورها حائز اهمیت است که تقریباً سرنوشت سیاسی ۱۲ سال آینده روسیه را رقم زده است. بنابراین، این خبر بیش از همه برای آمریکا و کشورهای غربی و همچنین کشورهایی که مناسبات نزدیکتر با روس ها دارند بسیار قابل توجه است و موجب واکنش ها و محاسباتی از سوی آنها شده است. در این باره این نکته حائز اهمیت است که بر خلاف بسیاری از تحلیل های شرقی از توافق و تباری در راس قدرت روسیه، اغلب تحلیلگران غربی معتقدند که پوتین و مدودف کاملاً متفاوت بوده و رویکردهای سیاست داخلی و خارجی متفاوتی داشته اند.

هر چند این دیدگاه غربی ها متناقض با اظهار تاسف های آنها از فقدان دموکراسی در روسیه است اما به هر حال همان ها از مدودف به عنوان فردی دموکراتیک یاد میکنند بدین دلیل آمریکایی ها قبلاً همه ظرفیت های رسانه ای و دیپلماتیک خود را به کار گرفته بودند تا از بازگشت دوباره پوتین جلوگیری کرده و موضع مدودف را در برابر پوتین تقویت نمایند، ولی مقامات آمریکایی در برابر خبر بازگشت پوتین به قدرت، سعی کردند با اظهاراتی کاملاً دیپلماتیک این مسئله را طبیعی جلوه داده و بر ادامه همکاری ها با مسکو تاکید کنند. البته این سیاست اعلامی کاخ سفید مخالفان رسمی و غیر رسمی خود را دارد.

علاوه بر اینکه برخی تحلیلگران آمریکایی همکاری جویی روس¬؛ها را گزینشی ارزیابی میکنند، در سطح قدرتمداران نیز جمهوری خواهان چندان به "ریست" در روابط آمریکا و روسیه خوش بین نیستند. این در حالیست که آمریکا نیز بستر تغییرات و تحولات زیادی شده است که مطمئناً بر روابط خارجی این کشور به خصوص در رابطه با روسیه تاثیرگذار خواهد بود، چرا که با افزایش فشارها به اوپاما، شرایط وی در انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا نیز در هاله ای از ابهام قرار دارد.

چشم انداز آینده

در چشم انداز داخلی روسیه به نظر دو مساله جدی وجود دارد. یکی مربوط به انتقادات از بازگشت دیکتاتوری به روسیه و مدت زیاد زمامداری پوتین در این کشور است که موجب افزایش فضای مانور منتقدان فضای سیاسی روسیه میشود و احتمالاً بار دیگر آتش اعتراضات برافروخته میشود.

اما ارزیابی روس های حاکم از اعتراضات این است که هدف معترضان تغییر حکومت نیست. به همین دلیل روس ها که همواره علاقمند هستند خود را یک بازیگر هنجارمند و قانون مدار نشان دهند، همچون اعتراضات اخیر با ارائه مجوز برپایی تظاهرات، و موافق با بازشماری آرای به سمت مذاکره با مخالفان میروند. البته قابل پیش بینی است که این بازنگری نمی تواند تاثیر زیادی در نتیجه انتخابات داشته باشد و دولت تمایلی به ارائه امتیازات بیشتر به مخالفان ندارد. اما قطعاً درس ها و پندهای موجود از تحولات نظام بین الملل نیز بر اقتداگرایی دولت روسیه بی تاثیر نخواهد بود. چنانچه پوتین اینک در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ به صراحت به کسانی که از رکود سیاسی در روسیه ابراز نگرانی کرده اند قول تغییرات تدریجی را میدهد.

اما مساله داخلی دیگر، بحث مدرنیزاسیون اقتصادی روسیه و در عین حال کنترل مشکلات اقتصادی مردم است. به نظر میرسد این مسائل از چشم پوتین نیز دور نمانده و وی نیز این چالش ها را جدی تلقی می کند. به نظر میرسد با انتقادهای موجود از کنترل دولت و حاکمیت الیگارش خانوادگی بر بخشهای کلیدی و صنایع استراتژیک، اعتراضات درباره افزایش نابرابری های سیاسی-اجتماعی و اقتصادی از چالش های پیش روی دولت پوتین خواهد بود. چرا که حداقل نیمی از مردم روسیه رژیم پوتین را عامل این مشکلات میدانند.

این در حالیست که پس از آن دوره طلایی که پوتین از سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ با افزایش بهای انرژی طی کرد، با بروز بحران اقتصادی و تلاش های دولت مدودف برای مدرنیزاسیون اقتصادی روسیه، این کشور با کاهش ذخایر ارزی، فرار سرمایه های خارجی روبروست، که موجب کاهش بهره وری اقتصادی در روسیه شده است. این در حالیست که پوتین این بار با مشتریان اروپایی روبروست که تمام شگردها را برای کاهش نفوذ روسیه در عرصه انرژی به کار گرفته و تا اندازه ای موفق شده اند از طریق طرح های متنوع قدرت مانور روسیه در بازار انرژی را کاهش دهند. این مسائل میتواند از سویی به افزایش فشارهای سیاسی از سطح منتقدان شده و از سوی دیگر در سیاست هایی که از پوتین انتظار آن میروند تحولات جدی ایجاد کند. به عبارت دیگر سیاست پوتین عملگرا را غیر قابل پیش بینی تر کند.

اما تجربه ۸ ساله از ریاست جمهوری پوتین نشان میدهد چند بحث اساسی چون احیای قدرت روسیه، منافع اقتصادی و تنظیم مناسبات خارجی با رویکرد حل مسائل داخلی، مهمترین مولفه های تاثیر گذار در سیاست خارجی پوتین هستند.

افزایش رویکرد شرقی یکی از ملموس ترین تأثیرات بازگشت پوتین به قدرت در روسیه است. البته ادبیات پوتین در این دوره به نوعی ادبیات تنش زدایی با غرب است. پوتین در سفر اخیر خود به چین بر اهمیت راهبردی روابط روسیه و چین تأکید داشته و به نظر میرسد همچون گذشته، محور روسیه-چین کاربرد زیادی در سیاست خارجی پوتین خواهد داشت. از سوی دیگر پیشنهاد جدید پوتین تشکیل اتحادیه کشورهای آسیای مرکزی است.

هر چند وی تأکید دارد این اتحادیه به معنای احیای اتحاد جماهیر شوروی سابق نیست اما قطعاً به معنای اولویت آسیای مرکزی و قفقاز در سیاست خارجی پوتین است. در همین راستا روشن است مناقشه سبزه‌شک، ه تدابیر سیاسی-دفاعی، امنیت، رهبر، ها در قبال، اب، سب از اهلهت هاء، مهم سیاست خارج، به‌تد، خواهد بود.

افزایش مناسبات دو جانبه روسیه با کشورهای اروپایی نیز از دیگر راهبردهای روسیه برای بهره‌وری اقتصادی در روابط خارجی است که به نظر میرسد با وجود بحران اقتصادی در منطقه یورو و در نتیجه کاهش اتحاد درونی اروپا، فضای روسیه در این روابط افزایش یافته است.